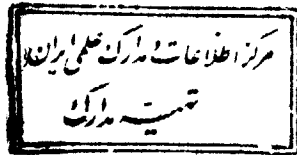


۳۸۴۹۳



۶ / ۱۴ / ۱۳۸۰

دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

عنوان:

تأثیر جهانی شدن بر حاکمیت ملی دولتها

نگارش:

آیت مولائی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر یوسف مولایی

۳ ۱۴۹۳

استاد مشاور:

011906

جناب آقای دکتر احمد ساعی

پایان نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته روابط بین الملل

تیرماه ۱۳۸۰



فرم ارزشیابی پایان نامه کارشناسی ارشد

دانشکده: حقوق و علوم سیاسی گروه: روابط بین الملل

در چارچوب ارزیابی مرحله تحقیقاتی مقطع کارشناسی ارشد دانشجویان دانشگاه تهران

آقای: آیت مولاوسی به شماره دانشجویی: ۲۱۰۲۷۷۰۱۹ در رشته: روابط بین الملل
گرایش: روابط بین الملل پایان نامه خود به ارزش: ۴ واحد را که در نیمسال اول سال تحصیلی: ۷۸-۷۹
اخذ و ثبت نام نموده بود، تحت عنوان: "تاثیر جهانی شدن بر حاکمیت ملی دولتها" درم

داور

به سرپرستی (استاد راهنما): دکتر مولایی استاد مشاور: دکتر ساعی استاد مشاور دوم (حسب مورد): دکتر شیرخانی
در تاریخ: ۸۰/۴/۲۷ در حضور هیأت داوران به شرح ذیل با (موفقیت / عدم موفقیت / اصلاحاتی) دفاع نمود.

اسامی هیأت داوران	مرتبه علمی	محل اشتغال	امضاء
۱- استاد راهنما: دکتر یوسف مولایی	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲- استاد مشاور: دکتر احمد ساعی	دانشیار	" " "	
۳- استاد داور: دکتر محمدعلی شیرخانی	استادیار	" " "	
۴- استاد داور:			
۵- استاد داور یا استاد مشاور دوم			

به عدد	به حروف
۱۸	هجده

نمره نهایی هیأت داوران:

ملاحظات:

تذکر: نیازی به درج نمره جداگانه هریک از داوران نبوده و فقط نمره مورد توافق هیأت داوران (متوسط) اعلام می شود.

سرپرست تحصیلات تکمیلی دانشکده

با سلام، نظر به اعلام نمره نهایی فوق الذکر از جانب هیأت داوران خواهشمند است نسبت به انجام امور فراغت از تحصیل دانشجوی یاد شده برابر ضوابط و مقررات اقدام مقتضی مبذول فرمائید.

امضاء و تاریخ:

نام و نام خانوادگی مدیر گروه: دکتر یوسف مولایی

توجه مهم: کلیه نوشته ها به استثناء نمره هیأت داوران و مطالب بند ملاحظات قبل از دفاع باید با ماشین تایپ گردد.

تذکر: این فرم به دفتر تحصیلات تکمیلی دانشکده ارسال و تصویر آن در گروه مربوط نگهداری می شود.

تقدیم به:

- پدر و مادر فداکار و عزیزتر از جانم که تمام وجود هستی‌ام را
مدیون آنها هستم و به پاس رنجها و زحماتی که در پرورش من متحمل
گشته‌اند.

- به برادران و خواهرانم که صبورانه شرایط را برای تحصیلاتم
فراهم آوردند.

- به کلیه اساتید بزرگوار و ارجمند در طول دوران تحصیلاتم
بخصوص روح بلند استاد زنده یاد دکتر اخوان زنجانی.

چکیده

مفهوم جهانی شدن، فرآیند تناقض آمیز، گسترده و پیچیده‌ای است که موجب دگرذیسی بنیادین در معنی مفاهیم و مقوله‌های رایج می‌گردد. این پدیده اشاره به جریانان از راه دوری می‌کند که بطور گسترده و مداوم، زندگی ابناء بشر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تأثیری که جهانی شدن بر حاکمیت ملی دولتها داشته است، در سه حوزه کلی، اقتصاد، سیاست و فرهنگ مطرح است. در حوزه اقتصادی، جهانی شدن از طریق مولفه‌هایی چون فعالیت عملکردی شرکت‌های چندملیتی و سازمان تجارت جهانی، حاکمیت اقتصادی دولتها را تضعیف می‌سازد. در حوزه سیاسی، جهانی شدن با تأثیرگذاری بر مولفه‌هایی نظیر، امنیت ملی و حقوق بشر، قدرت تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاریهای سیاسی دولتها را تضعیف می‌کند. در حوزه فرهنگی نیز، این پدیده، در سایه انقلاب در تکنولوژیهای اطلاعاتی و ارتباطاتی، آبشخور رایج هویت‌های محلی و ملی را کمرنگ ساخته و گروه‌های قومی، نژادی، مذهبی و دینی را به تکاپور برای استقلال و تجزیه کشور مادر می‌سازد.

بنابراین جهانی شدن حاکمیت ملی دولتها را در هر سه حوزه مذکور، رسوخ پذیرتر ساخته، به نحوی که حاکمیت دولتها بالاجبار، هر روز بطور فزاینده‌ای فرسوده می‌گردد.

سپاسگذاری

در انجام پایانامه مدیون زحمات، الطاف، محبت‌های اساتید و دانشجویانی هستم که شایسته است در اینجا از محبت ایشان یاد بکنم. پیش از همه جا دارد از استاد ارجمندم شادروان دکتر اخوان زنجانی یاد بکنم. آنکه در دو سال گذشته همواره مشوق اینجانب در نگارش این رساله بوده است. همچنین بر خود واجب می‌دانم از استاد راهنمای بزرگوارم جناب دکتر یوسف مولایی قدردانی نمایم که در طول نگارش رساله اینجانب را با راهنمایی‌های خویش مورد تفقد و تشویق قرار می‌داد. نیز جا دارد از اساتید محترم مشاور و داورم، آقایان: جناب دکتر ساعی و جناب دکتر شیرخانی، که قبول زحمت فرموده با راهنمایی‌ها و نشان دادن کاستی‌های پژوهش اینجانب را مورد لطف خویش قرار دادند. بعلاوه جا دارد از مسئولین کتابخانه‌های وزارت امور خارجه، دانشکده حقوق و علوم سیاسی و مرکزی دانشگاه تهران تشکر و قدردانی نمایم در پایان نیز لازم است از دوستان عزیز دانشجویی که اینجانب را همواره مورد تشویق و لطف خویش قرار می‌دادند قدردانی نمایم، گرچه ذکر اسامی همه آنها در اینجا مقدور نمی‌باشد با این حال از همه عزیزان بویژه از آقایان: حسن لطفی، جعفر محمدپور، توحید غیبی، قدرت احمدیان کمال تشکر را دارم.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
بخش اول: طرح پژوهش و فرضیه‌های مطروحه	
۲	فصل اول: طرح پژوهش.....
۲۰	فصل دوم: تأثیر فروپاشی بلوک شرق بر حاکمیت ملی دولت‌ها.....
۲۴	فصل سوم: تأثیر شکل‌گیری اتحادیه‌های منطقه‌ای بر حاکمیت ملی.....
بخش دوم: چارچوب نظری پژوهش	
۳۲	فصل اول: تعریف مفهوم جهانی شدن.....
۴۲	فصل دوم: گفتمان‌های رایج جهانی شدن.....
۴۲	الف) گفتمان‌های رایج جهانی شدن در قالب مدرنیته.....
۴۲	۱- مکتب واقع‌گرایی.....
۴۶	۲- مکتب آرمان‌گرایی.....
۵۹	ب) گفتمان‌های رایج جهانی شدن در قالب فرا مدرنیته.....
۵۹	۱) بازاندیشیها.....
۸۳	۲) پسا مدرنیستها.....
۹۴	ج) چارچوب نظری، کاربردی جهانی شدن در این پژوهش.....
۹۷	فصل سوم: تعریف مفهوم حاکمیت ملی.....
۹۸	الف) تعریف مفهوم.....
۹۹	ب) عناصر حاکمیت.....

صفحه

عنوان

بخش سوم: تأثیر جهانی شدن اقتصاد بر حاکمیت اقتصادی دولتها

- فصل اول: تأثیر شرکتهای چند ملیتی بر حاکمیت اقتصادی دولتها ۱۰۳
- فصل دوم: سازمان تجارت جهانی (WTO) ۱۲۳
- الف) اصول اساسی سازمان تجارت جهانی ۱۰۷
- ب) آثار سازمان تجارت جهانی بر وضعیت حاکمیت اقتصادی دولتها ۱۱۵
- ۱- گسترش آزادسازی تجارت ۱۳۵
- ۲- گسترش خصوصی سازی ۱۳۸
- ۳- گسترش بلوک بندیهای اقتصادی منطقه‌ای ۱۴۰

بخش چهارم: تأثیر جهانی شدن سیاست بر حاکمیت سیاسی دولتها

- فصل اول: تأثیر جهانی شدن سیاست بر امنیت ملی ۱۴۹
- الف) امنیت اقتصادی ۱۵۴
- ب) امنیت نظامی ۱۵۷
- ج) امنیت سیاسی ۱۶۰
- د) امنیت فرهنگی ۱۶۳
- ه) امنیت منابع / محیطی ۱۶۵
- فصل دوم: جهانی شدن و تغییر ماهیت قدرت ۱۷۱
- الف) قدرت سنتی ۱۷۲
- ب) قدرت جدید ۱۷۴
- فصل سوم: تأثیر جهانی شدن حقوق بشر بر حاکمیت سیاسی دولتها ۱۸۲
- الف) سازمان ملل متحد ۱۸۴

عنوان	صفحه
ب) پیمانهای اجرایی منطقه‌ای حقوق بشر.....	۱۹۱
ج) نسل سوم حقوق بشر.....	۱۹۳
بخش پنجم: تأثیر جهانی شدن فرهنگ بر حاکمیت فرهنگی دولتها	
فصل اول: تأثیر انقلاب در تکنولوژیهای ارتباطاتی و اطلاعاتی بر حاکمیت فرهنگی دولتها.....	۲۰۰
الف) خصیصه‌های تکنولوژی ارتباطاتی و اطلاعاتی.....	۲۰۱
ب) آثار تکنولوژیهای ارتباطاتی و اطلاعاتی.....
فصل دوم: تأثیر جهانی شدن بر هویت، قومیت و مذهب.....	۲۱۵
الف - قومیت.....	۲۱۶
ب - هویت.....	۲۱۹
ج) مذهب.....	۲۲۲
نتیجه‌گیری.....	۲۲۸
فهرست منابع و مآخذ.....	۲۳۵
- منابع و مآخذ فارسی.....	۲۳۵
الف) کتب.....	۲۳۵
ب) مقالات.....	۲۳۹
منابع و مآخذ انگلیسی.....	۲۴۲
الف) کتب.....	۲۴۲
ب) مقالات.....	۲۴۶

بخش اول

طرح پژوهش و
فرضیه‌های مطروحه

فصل اول

طرح پژوهش

الف) بیان مساله

در فاصله سده‌های ۱۵-۱۲ م اجتماعات متمرکز بوجود آمده در اروپا پایه‌گذار سیستم دولت - ملت گردیدند که نمود عینی و واقعی آن در قرارداد ۱۶۴۸ م و استفالیا ظهور گردید. و از این زمان به بعد مفهوم جامعه بین‌المللی و جامعه داخلی بوجود آمد. بدین سان با تولد کشورهای ملی جدید، حوزه حقوق بین‌الملل، برای حقوق مربوط به روابط بین دولتها، بوسیله حقوقدانانی چون فرانسیسکو ویتوریا (۱۴۸۰ - ۱۵۴۶)، فرانسیسکو سوارز (۱۵۴۸ - ۱۶۱۷)، آلبرتو جنتیلی (۱۵۵۲ - ۱۶۰۸) و مخصوصاً هوگو گروسیوس (۱۵۸۳ - ۱۶۴۵). وضع گردید. که براساس آنها روابط بین دولت‌ها ملتها تنظیم گردد.

ولی در بعد داخلی نیز همزمان بین دو نیروی قدرت یعنی کلیسا و پادشاه نیز تغییر و تحولاتی بوجود آمد. و تا قبل از رنسانس که قدرت کلیسا بالاتر از هر نیرویی بر «فرزندان خدا» تسلط داشت، قدرت رقیب آن یعنی پادشاه بعد از فترت حدوداً هزار ساله کم‌کم نضج گرفت که اندیشمندانی چون ماکیاول ایتالیایی بر آن فرآیند تأثیر گذاشتند. با ظهور مفهوم حاکمیت مطلقه توسط «ژان بدن» فرانسوی در قرن شانزدهم، حاکمیت کلیسا عملاً در برابر حاکمیت پادشاه شکست خورد، چرا که وی حاکمیت مطلقه را از آن پادشاه تلقی می‌کرده که در آن پادشاه ملزم به پیروی از نیروی خارجی یا داخلی نبوده است حتی کلیسا، و براین اساس دولت دارای حاکمیت را نمی‌توان تابع هیچ‌گونه قاعده بین‌المللی برتر قرارداد مگر اینکه رضایت دولت مورد نظر قرار گیرد. البته منظور «ژان بدن» از حاکمیت مطلقه قدرت نامحدود و بی‌قید و شرط دولت نبود بلکه آن نیز توسط حقوق طبیعی یا الهی، حقوق بین‌الملل عرفی چون اصل «وفای به عهد» محدود و مقید می‌گردید.

همزمان با نضج گرفتن مفهوم حاکمیت مطلقه فرمانروایان در قرن ۱۷ و تضعیف

قدرت حاکمیت کلیسا اندیشمندانی نظیر «توماس هابز» در صدد «اعتلا و بسط مفهوم» حاکمیت مطلقه» برآمدند که در آن حاکم فرد پادشاه بعد از کسب حاکمیت با هر نوع از قدرت خصوصی به مقابله بر می‌خواست که این عملاً موجب تثبیت پادشاهی‌های مطلقه در اروپا گردید. ولی در قرن هیجده دو تحول عمده روی داد، ابتدا اندیشمندانی چون ژاک ژاک روسو با ایجاد اصل «اراده عمومی» و تشکیل دولت بر مبنای رضایت افراد، حاکمیت ملی را در برابر حاکمیت فردی پادشاه بوجود آورد و اصل آزادی انسان را در مقابل اصل اسارت قرارداد و از طریق تئوری «قرارداد اجتماعی» کیفیت تشکیل جامعه را برخلاف منافع دولتهای استبدادی، به شکل جمهوری‌های امروزی تشریح کرد. و ضمن تأیید حق حاکمیت، حق مزبور را از سلطان بر ملت منتقل کرد و اراده عموم را جایگزین اراده فرد کرد بدین ترتیب نظریه حاکمیت ملی را مطرح گردید. تحول دیگر اینکه به سبب افزایش داد و ستد اقتصادی بین دولتها، و روابط فرهنگی و دیپلماتیک - سیاسی بین آنها، تقسیم‌ناپذیر بودن حاکمیت زیرسوال رفته و پدیده حاکمیت نسبی مطرح گردید، و دولتهایی پیدا شدند که تابع کشور دیگری بودند. با انتشار اعلامیه استقلال آمریکا در ۱۷۷۶ و شروع انقلاب فرانسه در ۱۷۸۹ و بسط و گسترش سه مفهوم، آزادی، برابری و برادری توسط ناپلئون، مساله حق تعیین سرنوشت ملتها، مفهوم «حاکمیت ملت» و حقوق بشر مطرح گردید و دولت فقط بعنوان دستگاه مأمور دفاع، حمایت و اجرای حقوق بشر تلقی گردید. با شکست فرانسه و تشکیل کنگره وین در ۱۸۱۴ بزرگترین سازمان شبه حکومتی بین‌المللی توسط دولتهای پیروز یعنی بریتانیا، پروس، اتریش، روسیه و با شرکت فرانسه شکست خورده، و برخی دولتهای کوچک تشکیل گردید با تشکیل آن قواعدی راجع به منع خرید و فروش سیاه‌پوستان، آزادی کشتیرانی در رودهای اروپا وضع گردید و از نظر سیاسی نیز دولتهای محافظه‌کار برای مبارزه با ناسیونالیسم و نابودی انقلابیون، متعهد گردیدند.

با ایجاد «کنسرت اروپا» در فاصله ۱۹۱۴ - ۱۸۱۴ نظام بین‌الملل قرن ۱۹ با یک عنصر ساختاری جدید یعنی «موازنه قوا» مواجه گردید. که در آن اعضا با همکاری همدیگر

مانع از تفوق و برتری یک عضو می‌شدند. در این فاصله تأثیر آراء اندیشه‌های افرادی چون مارکس و انگلیس در «مانیفست کمونیست» و تعمیم آن به کل طبقات کارگر در جهان، و رای حاکمیت دولتها، تشکیل کنگره پاریس در ۱۸۵۶ به خاطر جنگ کریمه بین دولتهای انگلستان، فرانسه و ترکیه از یک سو و روسیه از سوی دیگر، کنگره برلن ۱۸۷۸ راجع به جنگ ترکیه (عثمانی) و روسیه، و ظهور قدرتهای جدیدی چون آلمان متحد تحت رهبری بیسمارک، تغییر و تحولات شگرفی بوجود آورد و در دهه‌های آخر قرن نوزدهم دو تحول عمده، حاکمیت دولتها را تحت تأثیر قرارداد اولی، با آغاز مرحله سوم انقلاب صنعتی در بعد از ۱۸۷۰ و گسترش تسلط اروپا بر $\frac{3}{4}$ کره زمین و متعاقب آن ظهور امپریالیسم صنعتی، و تلاش برای گسترش اقتصاد مبتنی بر مکانیسم بازار و تجارت آزاد برای فروش محصولات انبوه مازاد، حاکمیت‌های ملی در ارتباط با غرب را ناگزیر به سمت حداقل، کنترل اقتصادی کرد. تحول دوم، ظهور سازمانهای تخصصی بین‌المللی بود که در رأس آنها می‌توان به اتحادیه بین‌المللی پست (۱۹ اکتبر ۱۸۷۴)، تولید اوزان و مقادیر (۱۸۷۵)، مقاله‌نامه جهت حمایت اختراعات صنعتی (۱۸۸۵)، مقاله‌نامه برای حمایت تصنیفات ادبی هنری (۱۸۸۴) اتحادیه راه‌آهن‌های بین‌المللی (۱۸۹۰)، اتحادیه رادیو و تلگراف (۱۹۰۶)، اشاره کرد، که همه اینها در حوزه مربوط به دولتهای عضو، استانداردها و تکالیفی را برای اجراء توصیه و در برخی موارد دستور می‌داد و قواعد یکسان و برابر، برای اعضا قابل اعمال بود به طوری که اکثر آنها امروزه بصورت جهانشمول و سراسری در جهان اعمال می‌گردد.

کنفرانسهای ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه که به ابتکار تزار روسیه و به دعوت هلند به منظور حفظ صلح و طرق حل و فصل اختلافات و وضع مقررات بین کشورها برای احتراز از جنگ تشکیل گردیدند، دولتهای عضو را ملزم به تعهدات بین‌المللی از جمله درباره حقوق جنگ و بی‌طرفی و ایجاد «دیوان دائمی داوری» گرداند. و برای اولین بار از قاره‌های مختلف دنیا کشورهایی در آن شرکت کردند که حداقل به صورت صوری خود را ملزم به

تعهدات فراملی کردند. ولی شرایط و تنش‌های اوایل سده بیستم در اروپا و ظهور قدرتهای جدید خارج از اروپا چون ژاپن و ایالات متحده و فروپاشی سیستم «موازنه قدرت» منجر به جنگ جهانی اول در ۱۹۱۴ و فروپاشی امپراطوریهای سنتی چون عثمانی، اتریش - مجارستان و روسیه گردید که از دل آنها دولتهای نو پدید آمدند. در نتیجه این شرایط دولتهای فاتح جنگ با تشکیل کنفرانس صلح پاریس در سال ۱۹۱۹، اولین نهاد بین‌المللی را که دارای قواعد دستوری به دولتها در سرتاسر جهان بود پایه‌ریزی گردید. که در واقع بزرگترین قدم عملی از بعد از قرارداد و ستفالییا تا آن روز در جهت حرکت از ناسیونالیسم به انترناسیونالیسم و پذیرش محدودیت هرچه بیشتر حاکمیت دولتها بود، بخصوص که اساس این نهاد برگرفته از افکار و اندیشه‌های آرمانگرایانی چون «ویلسون» رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده بود.

با تشکیل جامعه ملل و ایجاد و پیوستن نهادهای تخصصی چون سازمان بین‌المللی کار، سازمان علمی و فرهنگی به‌طور عملی فعالیت اولین نهاد جهانشمول بین‌المللی آغاز به کارکرد و در غیاب فروپاشی سیستم موازنه قدرت، دولتها، بخصوص دولتهای ضعیف با پیوستن به آن تا حدودی توانستند خود را در شرایط بی‌ثبات موجود امیدوار بکنند. در این اثنا نیز سازمانهای بین‌المللی نیز روند رشد روزافزون را پیدا کردند که در واقع به نوعی تقسیم‌کار بین‌المللی فعالیتها و برخی مشکلات مبتلا به حاکمیتها را انجام می‌دادند.

با تغییر و تحولات بعد از جنگ جهانی اول و مسائلی چون ظهور نازیسم، فاشیسم، ظهور اتحاد شوروی و بلوک سوسیالیست اولیه و عدم تثبیت ساختار نظام بین‌الملل در بین دهه‌های ۴۰-۱۹۲۰ جنگ جهانی دوم نیز آغاز گردید. با تشکیل کنفرانس سانفرانسیسکو در ۱۹۴۵، بزرگترین و جهانشمولترین و پیچیده‌ترین سازمان بین‌المللی تشکیل شد.

تأثیر این دو جنگ جهانی چنان مخرب بود که عملاً بعد از جنگ علاوه بر دول پیروز همه دولتها به عضویت این سازمان درآمدند. با بررسی مواد مختلف منشور و نقش

نهادهای شش‌گانه اصلی آن در صلح و امنیت ملی و حق دخالت آنها در برخی موارد در امور داخلی کشورها، مشخص می‌گردد که این سازمان، نهایتاً برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی خود را محق و بالاتر از هر نوع حاکمیت ملی قلمداد می‌کند، بطوریکه دائره‌المعارف حقوق بین‌الملل حاکمیت را چنین تعریف می‌کند.

«حاکمیت در حقوق بین‌الملل معاصر، بیانگر وضعیت حقوقی یک دولت در صحنه بین‌المللی است که صلاحیت آن دولت در قلمرو سرزمینی اش نمی‌تواند از سوی دیگر دولتها مورد سوال قرار گرفته و مورد مداخله واقع شود. این حاکمیت با موازین حقوق بین‌الملل محدود می‌گردد.»^(۱)

پس از جنگ دوم جهانی، با ایجاد سیستم برتون وودز و عضویت کشورهای صنعتی در موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) نظام اقتصادی جهانی بیش از پیش در مسیر اقتصاد و تجارت آزاد قدم گذاشت در روند دهه‌های بعدی اقتصاد اروپا و ژاپن به زودی خود را بازسازی کرده و در مسیر رقابت با آمریکا قرار گرفتند. در طی این دوران روند رو به رشد سازمانهای غیردولتی، و شرکتهای چند ملیتی و ظهور وابستگی متقابل اقتصادی بین دولتها در بعد از دهه ۱۹۶۰ طرح مسائل امنیتی ناشی از بمب اتمی، بویژه تغییر و تحولات در تکنولوژی‌های ارتباطاتی و اطلاعاتی جامعه جهانی بیش از پیش به همدیگر نزدیک گشته بطوریکه حتی دو بلوک متخاصم کم‌کم در مسیر همکاریها بویژه همکاریهای امنیتی سالت یک و ۲ قرار گرفتند در نتیجه این شرایط بود که افرادی همچون مک لوهان در دهه ۱۹۷۰ جامعه جهانی را بصورت یک «دهکده جهانی» ترسیم کردند.

اما فروپاشی اتحاد شوروی در دهه آخر قرن بیستم آخرین ضربه کاری را به نظام دو قطبی وارد کرده و این ساختار نیز از هم فرو پاشید. با فروپاشی بلوک شرق مسائل گوناگون تازه‌ای که همه‌شان در ارتباط نزدیک با مسائل و مشکلات مشترک بشری قرار داشت مطرح

۱- سعید میرزایی ینگجه، تحول مفهوم حاکمیت در سازمان ملل متحد، تهران. موسسه چاپ و انتشارات